



ناخودآگاه زیباشناختی

ژاک لاکان | ترجمه‌ی فرهاد اکبرزاده

نشر: انتشارات پیاپی / ژاک رانسیر / ترجمه‌ی فرهاد اکبرزاده / طراح گرافیک
مجموعه سیلوش تصاعدیان / لیتوگرافی: باختر / چاپ: دالاهو / چاپ
اول: بهستان: ۱۳۹۳، تهران / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / ۵۰۰۰ تومان / شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۲۳۳ / حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه
است. مرکز نشر چشمه: خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحیدنظری،
شماره ۳ / تلفن: ۶۶۴۹۰۰۴ / دورنگار: ۶۶۴۶۱۴۵۵ / فروشگاه نشر چشمه:
تهران، خیابان سریم خورشید، نش. میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷ / تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ /

سروشنامه: ژاک رانسیر، Ranciere, Jacques
عنوان و نام پدیدآور: نام: ژاک رانسیر / ژاک رانسیر: ترجمه‌ی

فرهاد اکبرزاده

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۲۳۳-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: ف.ب.

یادداشت: عنوان دیگر: l'inconscient esthetique

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر تحت عنوان "The Unconscious in Art"

"unconscious" به فارسی برگردانده شده است

یادداشت: کتاب‌نامه

موضوع: فریود، زیگموند، ۱۹۳۹ - ۱۸۵۶ م. - زیبایی‌شناسی

موضوع: زیبایی‌شناسی - جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: ناخودآگاه

شناسه‌ی افزوده: اکبرزاده، فرهاد، ۱۳۵۵، مترجم

ردمبندی کنگره: BH ۳۰۲ / ۴ و ۳ ۱۳۹۳

ردمبندی دیویی: ۱۱۱ / ۸۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۵۳۶۰۶۲

فهرست

یادداشت دبیر مجموعه

۷

یادداشت مترجم

۱۱

۱. ویدئو به ارتباطی با زیباشناسی دارد؟

۱۵

۲. روزه چیست؟

۱. انتقال زیباشناختی

۳۱

۴. دو شکل گفتار چیست؟

۳۱

۵. از یک ناخودآگاه به یک ناخودآگاه دیگر

۴۹

۶. تصحیحات فروید

۵۷

۷. درباره‌ی گوناگونی استفاده از جزئیات

۶۳

۸. تضاد میان دو نوع پزشکی

۶۹

یادداشت دبیر مجموعه

تاریخ کتاب، حتی سرگرم کننده و مفرح، به یقین می تواند در حکم نقد ریشه ها، هر فرهنگ، ایدئولوژیک شده باشد، لیکن خود فرهنگ گاه چنان عمل کند که حتی برنده ترین کتاب ها نیز در آن هضم می شود. این فرایند کتاب «دست» و فرهنگ ترویج و تشویق کتابخوانی» نیز عمل دست کتاب را انجام می دهد. از این حیث، کتاب هایی که کاری جز تکرار مکرران ندارند، در انواع و اقسام قطع ها، مطابق با منطق بازار، عرضه می شوند. مثلاً ناشی از تلاش می کنند راهی برای فرهنگ و سیاست ترویج کتاب بیابند و به منظور کتاب هایی — حتی گاه بدون هدفی معین — به چاپ می رسند. نقطه پاسخگوی منطق بازارند. در این وضعیت، آنچه اهمیت پیدا می کند، غیاب، فقدان، و یک جا خالی در میان جنگلی از کتاب ها است. در میان «دیف پیوسته» قفسه های کتابخانه، ناگهان و به طور پیش بینی نشده، یک فضای تهی ظاهر می شود. این فضای تهی ادعایی است که هر یک از فرم های ناهمگون، که زمانی حکم فقدان را داشت، امروزه از فراموشی اشباع شدگی، بازار کتاب را رنگارنگ کرده است، و بالطبع هر ناشر یا

دبیر مجموعه‌ای تلاش خود را صورت می‌دهد تا خواننده را متقاعد کند که دلیل انتشار این مجموعه چیزی نیست جز فقدان آن در بازار نشر. این تلاش همچون تقلای آدمی است که، به قول ویتگنشتاین، در اتاقی گرفتار شده است. او عرق‌ریزان مدام در بسته را به بیرون فشار می‌دهد، حال آن که در باز است و باید آن را به درون کشید.

دست سر قضا، مجموعه‌ی «پرتاب‌های فکر» نه بر مقتضای بازار کتاب‌های علمی در آن، بلکه با داعیه‌ی باز کردن فضای تهی (به درون، نه بیرون) در میان قفسه‌های پیوسته‌ی انبوه کتاب منتشر می‌شود. به تعبیر دیگر، در بیان انواع و اقسام ایده‌ها و افکار به اصطلاح کهنه و نو، یک فکر یا ایده را خواهد حکم سنگی را داشته باشد که به سمت شیشه پرتاب می‌شود زیرا راه یافتن هوا به اتاق، از مسیر ترک و شکستگی در شیشه می‌تواند فضای آن را آکنده از امر نو کند. این برخلاف ایده‌های آگاه و نگار — که بدیل دیگر محافظه‌کاری است — یا نوعی آناشسی خام است. تفسیر تفسیری از ایده‌آلیستی است که نه تنها پنجره، که درها و دیوارها را نیز تخریب می‌کنند؛ هر چند ممکن است در یک مقطع معین تاریخی تأثیرگذار هم باشند. ایده‌ای که موجب ترک در تفکر و عقل این‌همانی‌کننده است، لاجرم، نوعی از نفی متعین است که به خاطر خاصیت انضمامی آن به نگرش تاریخی — انتقادی مجهز است، و کتاب‌های پر حجم کوچک و متوسط، یا هر اندازه‌ای از این زاویه باید قرائت شوند، و گرنه چیز بی‌معنی جز سرگرمی یک‌بار مصرف.

ذکر فواید این نوع تفکر، همچون برشمردن «خواص ویتامینی» محصولات نیروزای فلان کارخانه، فایده‌ای نخواهد داشت جز تهی کردن جوهر آن از جوهریت خود. بنابراین در این یادداشت تلاش نمی‌شود خواص این ایده‌ها و کتاب‌ها، یا بهانه و دلیل انتشار آن‌ها

توضیح داده شود و تنها اشاره به باز کردن همان فضای خالی در میان قفسه‌ی کتابخانه‌ها کافی است.

اغلب ما در کودکی، از روی بازیگوشی یا شیطننت، شیشه‌ی پنجره‌ی همسایه را شکسته‌ایم و این درست برخلاف اعمال بزرگ‌سالی ماست، دوره‌ای که در آن، به زعم والتر بنیامین، نقاب تجربه و پختگی به چهره می‌زنیم. «پرتاب‌های فکر» چیزی نیست جز همین برداشتن نقاب حکیمانه و پرطمأنینه‌ی فکری. از این‌روست که این کتاب‌ها راه واجد ایده‌هایی نامتعارف، گاه شرح و تفسیر هدفمند، گاه قطعه نوشتاری گسسته، اعم از ترجمه یا تألیف است، البته معطوف به یک متن تاریخی، درست در مقابل نفی ایده‌آلیستی یا شرح و توصیف منسجم یک نظام در مقام سیستم و ایدئولوژی ناب.

ایده‌ها و تفکرات جدید، چنانچه کتاب‌هایی از مدت‌ها پیش در ذهن ما بود، اما گاه بی‌رمق و بی‌کمیالات فنی مانع از تجسم مادی آن‌ها می‌شد. اکنون ورود این کتاب‌ها به بازار نشر مصادف شده است با اشباع بازار از محتوا و فرم، علی‌اصح در قطع‌های متعدد. این آثار دارای نگرش انتقادی تاریخی هستند که امروز خود دستکاری شده یا در نشر ایده‌ها و کتاب‌ها هضم شده و تحت عنوان رشته‌ای مطالعاتی درآمده‌اند، اما در عین حال می‌خواهند این مطالب را به زعم آدورنو، بدون مقصود باشند، محتوایی که چه بسا می‌تواند نویسنده نبوده است، بلکه خواننده‌ی منتقد آن را باز می‌یابد.

با سپاس و قدردانی
به پگاه شعبی

یادداشت مترجم

رانسیر Aesthetic را در معنای محدود به معادل رایج آن، یعنی «زیبایی‌شناسی»، نمی‌گیرد و همان‌طور که خود در فصل اول همین کتاب اشاره می‌کند این ترم را نه نام علم یا رشته‌ی علمی که به هنر و امر زیبا می‌پردازد بلکه بیشتر در معنای کانتی آن یعنی «اشکال حسیت» یا «معرفت خودش» «اندیشه به آن چیزی که نمی‌اندیشد» می‌گیرد. پس با این تفاسیر استتیک برای رانسیر محدود به پرداختن به امر زیبا یا زیبایی‌شناسی نیست، قطعاً در این جا این سؤال پیش می‌آید که با علم به این موضوع چرا از همان معادل برای ترم استفاده شده است؟ پاسخ ساده این است که «نابیندگی» است، چون خود رانسیر ترم دیگری را جایگزین نمی‌کند. اگر فرض را بر این بگیریم که معادل یک ترم فلسفی نقطه‌ی انتقاع و نوعیت «و مناقشات» آن ترم به زبان دیگر است، برداشت‌ها و تفسیرها نیز می‌باید، یا شاید می‌تواند، ذیل همان معادل مطرح شوند. و آن جا که خود رانسیر در فصل اول همین کتاب به این امر می‌پردازد و به برداشت‌های مختلف از این ترم، که بعد از رمانتیسم آلمانی

دقیقاً در همان معنای زیباشناسی به کار رفته، اشاره می‌کند، قاعدتاً هرگونه توضیح اضافه در این جا، پیشاپیش غیر ضروری می‌شود. اغلب ارجاعات به تفاسیر و آثاری بازمی‌گردد که فروید از متون و شخصیت‌های هنری به عمل آورده است، و اغلب این متون به فارسی ترجمه نشده‌اند. سعی شده تا حد ممکن این ارجاعات با توجه به فقه کتاب در پانویس توضیح داده شوند، به خصوص چند داستان بارها در متن به آن‌ها اشاره می‌شود، مانند متن *گرا دیو*^۱ از آنتون چخوف. داستان‌هایی از بالزاک و فلوبر که به شکل خلاصه در توضیح آورده شده‌اند.

در پایان خود می‌نویسم که از دوستان عزیزم غلامحسین دهقانی، محمد کریمی زاده، امیر هوشنگ افتخاری‌راد، که با حوصله زحمت بازخوانی و پدیداری این متن را کشید، تشکر کنم. نام‌شان سزاوار دوستی و همسایگی است و دوستدارم.

ف. ا.